تعبیر «ما تَرَی عَلَیَّ مِنْ ثَوْبِ إِنِّما أَلْبَسُهُ لِلنّاسِ» در روایت سفیان ثوری

شواهدی را عرض می‌کنم؛ ایشان به جلد پنجم کافی آدرس داده بودند. در جلد ششم، صفحه چهارصد و چهل و دو؛ همان حدیث معروفی است که همه شنیده‌اید و واقعاً مضمون عجیبی دارد. یعنی اینکه امام علیه السلام می‌فرمایند: «إذا اضطررت إليها أكلت منها»، با این حدیث اینجا ... :

> «مَرَّ سُفْيانُ الثَّوْرِيُّ في الْمَسْجِدِ الْحَرامِ فَرَأَى أَبا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام وَ عَلَيْهِ ثِيابٌ كَثيرَةُ الْقيمَةِ حِسانٌ فَقالَ وَ اللَّهِ لَآتِيَنَّهُ وَ لَأُوَبِّخَنَّهُ فَدَنا مِنْهُ فَقالَ يا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ ما لَبِسَ رَسُولُ اللَّهِ صلّی الله علیه و آله مِثْلَ هذَا اللِّباسِ وَ لا عَلِيٌّ علیه السلام وَ لا أَحَدٌ مِنْ آبائِكَ! فَقالَ لَهُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام كانَ رَسُولُ اللَّهِ صلّی الله علیه و آله في زَمانٍ قَتْرٍ وَ قُتُرٍ وَ كانَ يَأْخُذُ لِقَتْرِهِ وَ لِقُتارِهِ وَ إِنَّ الدُّنْيا بَعْدَ ذلِكَ أَرْخَتْ عَزالِيَها فَأَحَقُّ أَهْلِها بِها أَبْرارُها ثُمَّ تَلا «قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتي أَخْرَجَ لِعِبادِهِ وَ الطَّيِّباتِ مِنَ الرِّزْقِ» وَ نَحْنُ أَحَقُّ مَنْ أَخَذَ مِنْها ما أَعْطاهُ اللَّهُ غَيْرَ أَنِّي يا ثَوْرِيُّ ما تَرَى عَلَيَّ مِنْ ثَوْبٍ إِنَّما أَلْبَسُهُ لِلنّاسِ ثُمَّ اجْتَذَبَ يَدَ سُفْيانَ فَجَرَّها إِلَيْهِ ثُمَّ رَفَعَ الثَّوْبَ الْأَعْلَى وَ أَخْرَجَ ثَوْباً تَحْتَ ذلِكَ عَلَى جِلْدِهِ غَلِيظاً فَقالَ هذا أَلْبَسُهُ لِنَفْسي وَ ما رَأَيْتَهُ لِلنّاسِ ثُمَّ جَذَبَ ثَوْباً عَلَى سُفْيانَ أَعْلاهُ غَلِيظٌ خَشِنٌ وَ داخِلُ ذلِكَ الثَّوْبِ لَيِّنٌ فَقالَ لَبِسْتَ هذا الْأَعْلَى لِلنّاسِ وَ لَبِسْتَ هذا لِنَفْسِكَ تَسُرُّها»[1].

«مَرَّ سُفْيانُ الثَّوْرِيُّ في الْمَسْجِدِ الْحَرامِ فَرَأَى أَبا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام»؛ امام علیه السلام را دید، همان کسی که در روایت حفص فرمودند دنیا را به منزل میته قرار دادم.

«وَ عَلَيْهِ ثِيابٌ كَثيرَةُ الْقيمَةِ»؛ لباس‌های بسیار گران قیمت، «حِسانٌ»؛ زیبا.

«فَقالَ وَ اللَّهِ لَآتِيَنَّهُ وَ لَأُوَبِّخَنَّهُ» امام را توبیخ می‌کنم. شما پسر پیامبر هستید، چرا این جور می‌گردید؟!

«فَدَنا مِنْهُ فَقالَ يا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ ما لَبِسَ رَسُولُ اللَّهِ صلّی الله علیه و آله مِثْلَ هذَا اللِّباسِ وَ لا عَلِيٌّ علیه السلام وَ لا أَحَدٌ مِنْ آبائِكَ فَقالَ لَهُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام كانَ رَسُولُ اللَّهِ صلّی الله علیه و آله في زَمانٍ قَتْرٍ وَ قُتُرٍ»؛ زمان سخت بود، همه مردم در سختی بودند.

«وَ كانَ يأْخُذُ لقَتْرِهِ وَ اقْتِدارِهِ وَ إِنَّ الدُّنْيا بعَدْ ذلِكَ أَرْخَتْ عزالِيَها فأَحَقَّ أَهْلِها بِها أَبْرارُها

ثُمَّ تَلا قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبادِهِ وَ الطَّيِّباتِ مِنَ الرِّزْقِ وَ نَحْنُ أَحَقُّ»؛ اینها را همه شنیده‌اید. آنچه که خیلی عجیب است، این است: **«ثُمَّ اجْتَذَبَ يَدَ سُفْيانَ»**؛ دست سفیان ثوری را کشیدند. **«فَجَرَّها إِلَيْهِ»**؛ گفتند دستت را بیاور. **«ثُمَّ رَفَعَ الثَّوْبَ الْأَعْلَى»**؛ این پیرهن به این زیبایی را با دست خودت کنار بزن و ببین زیرش چیست.

«وَ أَخْرَجَ ثَوْباً تَحْتَ ذلِكَ عَلَى جِلْدِهِ غَلِيظاً»؛ خیلی عجیب است. زیر غلیظ است. آدم وقتی آن را می‌پوشد اصلاً ناراحت است. این ادعاهای کاذب صوفیه این جا ... . **«فَقالَ هذا أَلْبَسُهُ لِنَفْسِي»؛** نفس را دنیا زده نمی‌کنم. تعیش نمی‌کنم. **«وَ ما رَأَيْتَهُ لِلنَّاسِ»**؛ آن لباس رو را برای مردم پوشیدم.

«ثُمَّ جَذَبَ ثَوْباً عَلَى سُفْيانَ أَعْلاهُ غَلِيظٌ خَشِنٌ»؛ آنچه که گفتم عجیب است، این طرفش است. حضرت علیه السلام فرمودند ببین تو چه لباسی پوشیدی؟! همه می‌گویند سفیان مثل امیرالمؤمنین علیه السلام رفتار می‌کند! **«وَ داخِلُ ذلِكَ ثَوْبٌ لَيِّنٌ»**؛ اما زیرش برای تن خودت حاضر نبودی خشن بپوشی. خوب مالیم پوشیدی.

شاگرد: «جذب» یعنی دستشان گرفتند؟

استاد: یعنی کشیدند. **«فَقالَ لَبِسْتُ هذا الْأَعْلَى لِلنَّاسِ»**؛ یعنی آن خشن، **«وَ لَبِسْتُ هذا لِنَفْسِكَ تَسُرُّها»؛** آن را که مخفی کرده‌ای برای خودت پوشیدی‌ها. این مضامین خیلی عجیب است. یعنی آنچه که به حفص فرمودند اصلاً ربطی به شرع نداشت؛ یعنی حضرت علیه السلام نخواستند، بگویند کسی دنبال رزق حلال نرود. اصلاً اینها نبود. امام باقر علیه‌السلام عرق ریزان داشتند کار می‌کردند. معروف است. آمد و گفت شما این قدر به دنیا اهمیت می‌دهید ای‌بن رسول اللّه؟! حضرت علیه السلام فرمودند این کار را می‌کنم تا محتاج امثال تو نشوم! این رنگ دنیا ندارد. رنگ تعیش دنیا ندارد. آن دلبستگی به دنیا است که مهم است. قضایایی هم در اینجا هست.

شاگرد: آخر روایت **«تسره»**.... نفست را مسرور می‌کند.

استاد: **«وَ لَبِسْتُ هذا لِنَفْسِكَ تَسُرُّها»**؛ نفست را مسرور می‌کند. «ها» به نفس برمی‌گردد نه به «هذا».

شاگرد۲: چرا خود حضرت علیه السلام خشن پوشیده بودند؟ با توجه به آیه‌ای که فرمودند «من حرم علیکم زینة اللّه»، در بعض تعابیری دیگر دارد که حضرت علیه السلام نوشیدنی خیلی خوشمزه را نوش جان می‌کردند و می‌فرمودند پیغمبر صلّی اللّه علیه و آله هم همین کار را می‌کردند. عسل مصفی می‌نوشید. وجه این لباس خشن چیست؟

استاد: ظاهر عاقلانه‌اش این است که حضرت علیه السلام می‌دانستند خود بدن در شرایطی که لباس خشن پوشیده بیشتر مواظبت کاری می‌کند بر روح قدسی. «یغان علی قلبی» را کمتر می‌کند. این وجه حکمت کار است. خودشان این جور بودند. اگر بخواهم به شوخی بگویم. طلبگی بگویم؛ امام علیه‌السلام است؛ اینها برای شیعه واضح است. وقتی از خانه بیرون می‌آمدند، می‌دانستند سفیان ثوری امروز ایشان را گیر می‌اندازد! می‌گفتند حال درستش می‌کنم! این شوخی‌اش است! واقعاً هم این جور است.

در معجزات و کرامات امام هادی علیه‌السلام را نگاه کنید. از سامرا جمعیت زیادی آمدند تا بیرون شهر بروند. هوا صاف بود. امام هادی علیه‌السلام آمدند و چکمه‌های پوشیده بودند، دورش طنابهایی پوشیده بودند. یعنی خیال می‌کنید که دارد باران سیل آسایی بیاید. مثلاً آن کسی چتر

بردارد. راوی می‌گوید چرا امام علیه‌السلام این جور آمدند؟! غیر عادی است! هوای به این صافی! بعد می‌گوید با فاصله کوتاهی ابری آمد و باران شد و همه جمعیت خیس شدند، ولی امام علیه‌السلام مسلح بودند. همه لوازم مورد نیاز باران را داشتند. این‌ها که نزد شیعه دو دوتا چهارتا است. ما از کارهای معصومین علیهم السلام سر در نمی‌آوریم. ولی ما به امام نسبت نمی‌دهیم. این به‌عنوان شوخی بود. شاید این اندازه را ائمه علیهم السلام اجازه بدهند. ولی به امام علیه‌السلام نسبت نمی‌دهیم.

---

[1] شیخ کلینی، الكافي (بر أساس چاپ اسلامیة)، ج ۶، ص ۴۴۲.

بازبینی #3
ایجاد شده 12 نوامبر 2025 15:17:55 توسط ... .
به روزرسانی شده 23 نوامبر 2025 13:19:44 توسط ... .